

## بررسی متغیرهای اجتماعی و مهاجرت بر کاربرد تنوعات گویشی و زبانی در شهر تهران از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی

سولماز ملت‌دوست<sup>۱</sup>، محمدرضا احمدخانی<sup>۲\*</sup>، حمیدرضا شعیری<sup>۳</sup>، علی کریمی فیروزجایی<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. استاد ادبیات فرانسه، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۴. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

## The Study of Social Variables and Immigration on the Usage of Lectals Based on the Cognitive-Socio Linguistics

Solmaz Mellatdoost<sup>1</sup>, Mohamad Reza Ahmad khani<sup>2\*</sup>, Hamid Reza Shairi<sup>3</sup>, Ali Karimi Firouz Jaie<sup>4</sup>

1. Phd candidate in Linguistics, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Associate Professor of Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran

3. Professor of French Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

4. Associate Professor of Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 2022/06/22

Accepted: 2022/11/04

10.30473/il.2024.64109.1545

### Abstract

This study investigates the social status of the varieties of Iranian languages and dialects towards the perspective of the hidden cognitive realities of real language use within the framework of the lectal variation theory. Using this usage-based theory, researchers have explored the language speakers' desire and tendency towards different language varieties considering the independent social variables of financial level of living and occupation. A researcher-constructed survey questionnaire and interview were used in this study. Linguistic data were collected from a total of 314 participants selected semi-randomly among the language community of immigrants living in Tehran, with Turkish, Laki, Kurdish, Baluchi and Mazandarani languages as well as Mashhadi, Lori, Hamedani, Isfahani and Yazdi dialects. The Likert scale, Cronbach's alpha, the Chi-square test, the P-value and one-dimensional student's t-test were used in this study. According to the results, the use of non-standard varieties is more common among retired employees. Economically the lower strata have the highest use of non-standard varieties. 83.54 percent of the speakers of language varieties in Tehran prefer to use the standard language variety in daily conversation in the society. Considering the migration variable, using non-standard language varieties of first-generation immigrants is more common than the second-generation immigrants.

**Keywords:** Dialectal Varieties, Linguistic Varieties, Migration, Cognitive-Socio Linguistics; Lectal, Social Variables, Sociolinguistics..

### چکیده

در پژوهش حاضر، شأن و منزلت اجتماعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، با توجه به میزان کاربرد آن‌ها در جامعه زبانی شهر تهران، نسبت به مقولات اجتماعی از منظر واقعیت‌های شناختی پشت پرده کاربرد واقعی زبان، در چارچوب نظریه لکتال مورد بررسی قرار گرفته است. محققان با استفاده از این نظریه کاربرد-محور، میل و گرایش فردی گویندگان زبان نسبت به گونه‌های زبانی متفاوت را با در نظر گرفتن متغیرهای مستقل اجتماعی سطح مالی و شغل به تصویر کشیده‌اند. بزرگ‌ترین کاربرد گرفته شده در این پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته به شیوه پیمایشی و مصاحبه هستند. در این پژوهش میدانی، داده‌های زبانی از ۳۱۴ شرکت‌کننده به صورت نیمه تصادفی از جامعه زبانی مهاجرین در شهر تهران، دارای اصالت‌های زبانی ترکی، لکی، کردی، بلوچی و مازندرانی و نیز گویش‌های مشهدی، لری، همدانی، اصفهانی و یزدی گردآوری شده‌اند. برای دریافت نتایج آماری از مقیاس لیکرت، آلفای کرونباخ، ارزش p-value، آزمون تک بعدی تی استیودنت استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که کاربرد گونه غیرمعیار در بازنشستگان بیش از دیگر مشاغل است و به لحاظ سطح مالی، طبقه ضعیف‌ترین کاربرد گونه غیرمعیار را دارند. در نهایت ۸۳/۵۴ درصد از گویندگان گونه‌های زبانی در تهران، در گفتار روزانه‌ی خود در جامعه، از گونه معیار زبان استفاده کرده‌اند. به لحاظ مولفه مهاجرت، مهاجرین نسل اول، کاربرد گونه زبانی غیرمعیار بیشتری نشان داده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** تنوعات گویشی، تنوعات زبانی، مهاجرت، زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی، لکتال، متغیرهای اجتماعی، زبان‌شناسی اجتماعی.

\*Corresponding Author: Mohamad Reza Ahmad khani

Email: ahmadkhani@pnu.ac.ir

\* نویسنده مسئول: محمدرضا احمدخانی

## مقدمه

گرفته است. محققان در این پژوهش میل و گرایش فردی گویندگان نسبت به کاربرد گونه‌های زبان معیار و غیرمعیار را نشان داده‌اند تا دریابند متغیرهای شغل و سطح مالی و نیز مولفه نوع مهاجرت، چه تأثیری بر کاربرد گونه‌های زبانی دارد، چگونه جایگاه و منزلت اجتماعی گوینده زبان را تعیین می‌کند و چگونه این متغیرها، گوینده زبان را به سوی انتخاب گونه زبانی و به تناسب آن به سوی یک رفتار زبانی سوق می‌دهند. برای رسیدن به دلایل این انتخاب‌ها، گویندگان زبان به داده‌های تجربی در موقعیت‌های اجتماعی طبیعی و نیز بافت واقعی کاربرد گونه‌های زبانی نیاز است.

## سؤالات پژوهش

۱. پژوهش حاضر جهت پاسخ به سؤالات زیر انجام شده است:
۲. میزان کاربرد گونه‌های زبانی غیرمعیار در تهران چقدر است؟
۳. متغیرهای اجتماعی سطح مالی و شغل چه تأثیری در میزان کاربرد گونه‌های زبانی غیرمعیار دارند؟
۴. مولفه مهاجرت چه تأثیری در میزان کاربرد گونه‌های زبانی غیرمعیار دارد؟

## پیشینه پژوهش

در نیم‌قرن اخیر، پژوهش‌های بسیاری در مورد نگرش‌های زبانی در سراسر دنیا به خصوص در آمریکا و انگلیس توسط پژوهشگرانی نظیر لباو<sup>۹</sup> (۱۹۶۶)، جایلز<sup>۱۰</sup> و بیلینگز<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۷) و (۲۰۰۴) و لمبرت<sup>۱۲</sup> (۱۹۶۰) و (۱۹۶۷) صورت گرفته است. پژوهش‌هایی تجربی که اطلاعات ارزشمند و مهمی در مورد نحوه انتخاب و کاربرد گونه زبانی، فرایند و روش تصمیم‌گیری‌های گویشوران و نیز نقد و انتقادات مربوط به طبقات اجتماعی و تأثیر آن‌ها در کاربرد گونه‌های زبانی افراد به دست می‌دهد، انجام شده است. همچنین تحقیقاتی که در کانادا (۱۹۷۵) توسط لمبرت در مورد نحوه تصمیم‌گیری و انتخاب گونه زبانی در بافت اجتماعی صورت گرفته است قابل توجه است. پژوهش‌های بسیاری نیز در سال‌های اخیر در داخل کشور صورت گرفته نظیر دبیرمقدم (۱۳۸۷) و (۱۳۹۷)، سارلی (۱۳۸۷)، مشرعی (۱۳۹۷)، مظفری (۱۳۹۸)، مدرسی

گونه‌های زبانی، ملاک سنجش اعتبار اجتماعی و نشان دهنده طبقه اجتماعی و جغرافیایی گوینده خود هستند. گویندگان هر گونه زبانی، قادر هستند گونه زبانی خود را به خوبی توصیف کنند. در واقع هر صورت زبانی دارای معنا و مفهوم اجتماعی بوده و به همین دلیل به سادگی قابل توصیف است. کریستیانسن<sup>۱</sup> (۲۰۰۸: ۱۳۹) معتقد است، انسان به طور ذاتی توانش ادراکی گونه‌های زبانی لکتال<sup>۲</sup> را دارد، اما درک افراد و تصاویری که به طور شناختی در ذهن خود می‌سازند با هم تفاوت است. کریستیانسن (۲۰۰۶: ۱۳) معتقد است برای مطالعه تنوعات گونه‌ای زبان در هر جامعه و زبانی، وجود نظریه شناختی ضرورت دارد و این ضرورت را با توجه به نظریات زبان‌شناسان شناختی دیگر، اینگونه بیان می‌کند: اول، از آنجایی که زبان‌شناسی شناختی یک مدل کاربرد-بنیان است، و با توجه به بیانات گیرتس<sup>۳</sup> (۲۰۰۱: ۵۳) و نیز به تعبیر لنگاکر<sup>۴</sup> (۱۹۹۱: ۹۱) این مدل کاربرد-بنیان، زمانی می‌تواند به بررسی کاربرد واقعی زبان دست یابد که تنوعات گونه‌ای زبان را در سطح گفتاری جامعه زبانی، مورد مطالعه قرار دهد؛ زیرا غیر از سیستم زبانی موجود در هر زبان، دانش زبانی گوینده زبان نیز موثر در نوع کاربرد زبان می‌باشد.

## بیان مسئله و اهمیت آن

نظریه تنوعات گونه‌ای (لکتال)<sup>۵</sup> در زبان فارسی، موجب شکل گرفتن ذهنیت‌های متفاوتی در ذهن گویندگان زبان شده است. این ذهنیت‌ها در مورد کاربرد گونه‌های زبانی غیرمعیار<sup>۶</sup> نظیر انواع گونه‌های زبانی جغرافیایی، اجتماعی، محلی و بومی نسبت به گونه معیار زبان فارسی ایجاد شده‌اند.

هدف از پژوهش حاضر بررسی کاربرد تنوعات گونه‌ای گویشوران و گویندگان زبان‌ها نسبت به مقولات اجتماعی از منظر واقعیت‌های شناختی<sup>۷</sup> پشت پرده کاربرد واقعی زبان، در چارچوب نظریه لکتال می‌باشد. با استفاده از این نظریه کاربرد-محور<sup>۸</sup>، که خط اتصالی بین زبان‌شناسی اجتماعی و شناختی ایجاد کرده است، دلایل انتخاب‌های زبانی بین گونه معیار و غیرمعیار زبان فارسی، مورد مطالعه و بررسی قرار

1. G. Kristiansen
2. Lectal
3. D. Geeraerts
4. R.W. Langacker
5. Lectal variations
6. Non- Standard variety
7. Cognitive
8. Usage-based

9. W. Labov  
10. H. Giles  
11. A. Billings  
12. W. Lambert

### تنوعات گونه‌ای (لکتال) و مقوله‌بندی آن

با نگاهی دقیق در می‌یابیم اصطلاح «لکت» مرتبط با اختلافات و تنوعات آوایی گویشوران زبان است. نظریه لکتال که اخیراً بسیار مورد توجه زبان‌شناسان و پژوهشگران حوزه اجتماعی-شناختی قرار گرفته است، به مطالعه تنوعات گونه‌ای در زبان‌ها می‌پردازد. دو ویژگی مهمی که قلب تپنده این نظریه محسوب می‌شوند، ویژگی کاربرد - محور بودن و نیز توجه به تنوعات اجتماعی زبان است. تنوعات گونه‌ای زبان در زبان فارسی در ایران، شامل هر گونه زبانی محلی، اجتماعی، جغرافیایی و نیز گونه معیار می‌باشد که ارزش، اعتبار، جایگاه و شأن اجتماعی خود را دارند. کریستیانسن (۲۰۰۸، ۶۲) بر این عقده است که تنوعات گونه‌ای شامل انواع شیوه‌های گفتاری زبان است که به طور سنتی «گونه معیار»، «گونه محلی»، «گویش»، «گونه»، «گونه کاربردی»، «گونه اجتماعی»، «شیوه گفتار» و نظایر آن نامیده می‌شود.

### مهاجرت

رابرت پارک<sup>۴</sup> (۱۹۲۸: ۸۷) یکی از پیشروان مکتب شیکاگو، در کتاب خود تحت عنوان «مهاجرت انسانی و انسان حاشیه‌ای» عنوان می‌کند. مهاجرت فقط یک حرکت نیست بلکه حداقل اثر آن، تغییر محل سکونت همیشگی و قطع ارتباط با آن می‌باشد. پارک معتقد است که مهاجرت، شکل صلح جوانانه، مسالمت آمیز و آرام حرکات جمعیتی است که در زمان‌های گذشته به شکل تهاجم‌های نظامی و جابه‌جایی‌های اجباری صورت می‌گرفته است. وی با تکیه بر عوامل فرهنگی، عنوان می‌کند نمی‌توان حرکت کولی‌ها را مهاجرت نامید زیرا فاقد تغییر فرهنگی قابل توجهی در اثر عامل مهاجرت است.

به عقیده براون<sup>۵</sup>، مهاجرت حرکت افراد از یک کشور یا منطقه، به کشور یا منطقه دیگر است (۱۹۹۲: ۴۳۸). پیترسن<sup>۶</sup> و تامس<sup>۷</sup> معتقدند مهاجرت در کلی‌ترین مفهوم، حرکت یا جابه‌جایی نسبتاً دائمی افراد است، در یک مسافت قابل ملاحظه (۱۹۶۸: ۲۸۶). به عقیده مانگالم<sup>۸</sup> (۱۹۶۸: ۲۴) مهاجرت، جدا شدن کم و بیش دائمی یک گروه از یک منطقه جغرافیایی به منطقه‌ای دیگر می‌باشد که تصمیم‌گیری

(۱۳۶۷) و (۱۳۹۳) که در آن‌ها شیوه گفتار افراد و نحوه کاربرد گونه‌های زبانی در تعامل با جامعه در حوزه خانواده، کار و آموزش و نیز نگرش آن‌ها نسبت به گونه‌های زبانی، مورد بررسی قرار گرفته است. با در نظر گرفتن تحقیقات پیشین می‌توان ادعا کرد، مطالعه و بررسی نگرش زبانی حول محور ایجاد ارتباط و تعامل بین گویندگان زبان در طبقات گوناگون جامعه، به بافت فرهنگی و اجتماعی مرتبط می‌باشد.

### چارچوب نظری پژوهش

زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی حوزه‌ای نوظهور در پژوهش‌های زبان‌شناسی می‌باشد و زمانی شکل گرفت که زبان‌شناسان اجتماعی دریافتند در مطالعات خود، برای پاسخ به چرایی، تبیین و تکوین زبان سخنوران، نیازمند مطالعه و بررسی عوامل شناختی موثر در این زمینه می‌باشند. این علم نوظهور همواره در صدد گسترش ابعاد وسیع در پژوهش‌های اجتماعی با گرایش شناختی و تعامل با ذهن سخنور زبان در سطح کاربردی است. در پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، به بررسی دیدگاه‌های گوناگونی در حوزه‌های اجتماعی و شناختی پرداخته شده که لزوم همگرایی این دو را به خوبی نشان می‌دهند. زبان‌شناسی اجتماعی با ارائه روش‌های موثر و کاربردی، توانسته است همواره توصیفات جامعی از تنوعات زبانی، به لحاظ کیفی و کمی در اختیار محققان قرار دهد.

گیررتس<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) معتقد است در زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی، کاربرد واقعی زبان، نقطه آغاز پژوهش‌های زبانی است و واقعیت‌های شناختی در پس این کاربرد، قرار دارند. از این رو، زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی به بررسی واقعیت‌های شناختی کاربرد زبان در جامعه زبانی می‌پردازد. کریستیانسن<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) عنوان می‌کند، زبان‌شناسی شناختی باید به حوزه‌های تعاملات اجتماعی و گفتمانی گسترش پیدا کند. گیررتس و همکاران (۲۰۱۰) در کتاب خود تحت عنوان «تنوعات زبانی، الگوهای فرهنگی و نظام‌های اجتماعی» ویژگی‌های کاربرد-محور بودن و توجه به تنوعات اجتماعی و تجربی زبان در زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی را به عنوان ویژگی‌های شاخص نام برده‌اند. بر این اساس، روش‌شناسی در زبان‌شناسی شناختی، مبتنی بر پایه گفتار<sup>۳</sup>، نگاشتی از ذهن به زبان<sup>۴</sup> است.

5. lect  
6. R. Park  
7. K. Browne  
8. W. Peterson  
9. B. Thomas  
10. J. Mangalam

1. D. Geeraerts  
2. R.W. Langacker  
3. Parole  
4. Langue

بر پایه مجموعه‌ای از ارزش‌ها به انجام می‌رسد و نظام تعاملی مهاجر را دستخوش تغییر می‌کند.

### مهاجرت، انگیزه‌ها و پیامدها

به عقیده (فتحی، ۱۹۹۱: ۸) مهاجرت به طور معمول، یک حرکت جمعی است که در قالب یک خانواده، گروه و مانند آن به انجام می‌رسد. لازمه مهاجرت، تصمیم‌گیری قبلی است. مهاجرت عمدتاً معلول مشکلات و محرومیت‌هایی در جامعه مبدا می‌باشد که به امید رفع و از میان برداشته شدن آن‌ها انجام می‌شود. یکی از مسائلی که در تعریف مهاجرت باید به آن توجه داشت، تغییری است که در شیوه و سبک زندگی مهاجر پدید می‌آید؛ به عنوان مثال، یک مهاجر روستایی در شهر به شیوه‌ای متفاوت و با گونه‌ی زبانی متفاوتی زندگی می‌کند. در هر نوع مهاجرت، عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و روانی، ممکن است دخیل باشند. جمعیت‌شناسان، اینگونه عوامل مهاجرت را به دو گروه کلی عوامل جذبی<sup>۲</sup> و عوامل دفعی<sup>۳</sup> تقسیم‌بندی کرده‌اند. عوامل جذبی مختص جامعه مقصد یا میزبان می‌باشند و عوامل دفعی به جامعه مبدا یا اصلی تعلق دارند. افراد، مشکلات، امکانات و تسهیلات دو جامعه مذکور را ارزیابی کرده و با در نظر گرفتن همه جوانب مثبت و منفی و نیز نیازهای خود، تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. نکته قابل توجه این است که همه مهاجران با امید به وضعیت بهتر، به جابه‌جایی و تغییر محل زندگی خود دست می‌زنند.

به عقیده مدرسی (۱۳۹۳: ۴۵) یکی از مهمترین جنبه‌های مهاجرت که اخیراً بسیار مورد توجه جامعه‌شناسان و زبان‌شناسان قرار گرفته است، پیامدهای زبانی، فرهنگی و هویتی مهاجرت می‌باشد. با وجود انواع و ابعاد گسترده‌ای که مهاجرت به همراه دارد، با هر مبدأ و مقصدی، هر انگیزه و محرکی و هر حجمی از جمعیت، همواره می‌توان الگوی نسبتاً مشترکی از پیامدهای اجتماعی، زبانی، هویتی و فرهنگی را در همه آن‌ها یافت. گونه‌ی زبانی مهاجر، نشان‌دهنده هویت قومی و فرهنگی وی می‌باشد که در روح و جسم او ریشه دارد. مهاجر، در رویارویی با جامعه مقصد و میزبان، با جامعه و فرهنگی بسیار متفاوت مواجه شده و به طبع آن دو نگرش و رویکرد متفاوت می‌تواند داشته باشد: شیفتگی و پایداری. شیفتگی منجر به جذب در جامعه جدید می‌شود که ممکن

است به دلیل جاذبه‌های مقصد یا به دلیل ریشه‌دار نبودن هویت و ارزش‌های بومی است. در این حالت، مهاجر ارزش‌ها، زبان و فرهنگ جامعه مقصد را پذیرفته و با آن همسو می‌شود. پایداری و مقاومت در برابر ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی جامعه موجب می‌شود مهاجر در جامعه میزبان به انزوا رفته و به حاشیه کشیده شود، در این صورت مهاجر به «انسان حاشیه‌ای»<sup>۴</sup> تبدیل می‌شود که دچار هزارتوی احساسات خود شده و در جامعه میزبان به عنوان یک غریبه یا بیگانه شناخته می‌شود.

از آنجایی که زبان پدیده‌ای اجتماعی می‌باشد نه منفرد، با سایر پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی در تعامل است. تماس و برخورد گونه‌های زبانی، حاصل تماس‌ها و برخوردهای فرهنگی هستند و مهاجرت یکی از مهمترین عوامل اینگونه ارتباطات زبانی می‌باشد. با توجه به پایگاه اجتماعی مستحکم‌تر جامعه میزبان، مهاجرین مجبور به پذیرفتن و به‌کارگیری گونه‌ی زبانی جامعه میزبان هستند؛ اما در صورتی که دارای ریشه و هویت قومی قوی‌تری باشند، ممکن است گونه‌ی زبانی خود را حفظ کرده و در محیط خانه و خانواده به آن وفادار باشند. شرکت کنندگان تحقیق حاضر، مهاجرینی هستند که به دلایل مختلف از شهرهای دیگر با گونه‌های زبانی مادری گوناگون، به تهران مهاجرت کرده‌اند. آن‌ها برای ایجاد ارتباط و تعامل با جامعه میزبان، ممکن است به دلیل قدرت گروه غالب، ترجیح دهند با گونه‌ی زبانی معیار با شنونده تهرانی صحبت کنند و طبق نظریه انطباق جایلز (۱۹۸۷)، همگرایی داشته باشند.

زمانی که شنونده و گوینده، هر دو بخشی از یک رویداد گفتاری باشند، بر اساس نظریه انطباق گفتار، سه امکان همگرایی، واگرایی و ماندگاری نسبت به سبک گفتار پدید می‌آید که کاملاً آگاهانه است و آنها بر این امر اشراف دارند. (جایلز، ۱۹۸۷).

بر اساس الگوی کنش گفتار و نظریه انطباق جایلز (۱۹۸۷): همگرایی، شیوه‌ای است که موجب انطباق گفتار افراد با هم می‌شود. همگرایی از طریق بکارگیری ویژگی‌های خاص زبان نظیر میزان گفتار، طول گفتار، آهنگ گفتار و نیز درنگ‌ها و نظایر آن صورت می‌پذیرد و در همه موقعیت‌های گفتاری دارای نشانه مثبت است.

ماندگاری، موقعیت گفتاری به منزله عدم همگرایی و انطباق بوده و منفی محسوب می‌شود.

1. Life style  
2. Pull factor  
3. Push factor

4. Marginal man

مکان‌های مختلفی مانند مدارس، دانشگاه‌ها، کتابخانه ملی، پارک‌ها، مساجد، سرای محله‌ها، فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای، مترو و مکان‌های عمومی دیگر گردآوری شده و مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره ۳ فراوانی و درصد شرکت کنندگان در پژوهش را بر اساس متغیر شغل نشان می‌دهد.

**جدول ۳.** حجم داده‌های گردآوری شده از جامعه آماری به تفکیک شغل

نام متغیر	فراوانی	درصد
آزاد	۴۱	۱۳/۱
بازنشسته	۴۸	۱۵/۳
خانه‌دار	۴۲	۱۳/۴
دانشجو	۶۲	۱۹/۷
کارمند	۹۵	۳۰/۳
محصل	۲۶	۸/۲
کل	۳۱۴	۱۰۰

جدول شماره ۴ سطح مالی شرکت کنندگان در پژوهش را در تقسیم‌بندی ۵ رده مالی بر حسب متغیر سطح مالی زندگی نشان می‌دهد.

**جدول ۴.** سطح مالی زندگی از نظر شرکت کنندگان

نام متغیر	فراوانی	درصد
ضعیف	۱۳	۴/۱
متوسط	۱۴۸	۴۷/۱
نسبتاً خوب	۹۴	۲۹/۹
خوب	۵۵	۱۷/۵
عالی	۴	۱/۳
کل	۳۱۴	۱۰۰

جهت گردآوری داده‌ها از حجم نمونه مورد نیاز، از شیوه پرسشنامه (به صورت کاغذی و آنلاین) استفاده شده است. برای روایی از نظر اساتید راهنما و مشاور و پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است. به عنوان مطالعه پایلوت، ابتدا پرسشنامه به ۳۰ گویشور داده شده و پس از دریافت بازخورد شرکت کنندگان، تغییراتی در پرسشنامه ایجاد گردید. در این تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته، براساس اصول و رده‌بندی‌های ذکر شده در کتاب گویش‌شناسی و تحقیقات میدانی چمبرز<sup>۱</sup> و ترادگیل<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) و نیز با در نظر گرفتن

واگرایی، به منزله راهکاری است که در آن تمایزات گفتاری برجسته تر نشان داده می‌شوند. واگرایی در گفتار، فرایندی میان گروهی تلقی می‌شود که در اثر آن تمایزات روانشناختی زبانی گوینده زبان، پررنگ تر شده و بیش از پیش ظاهر می‌شود.

### روش تحقیق

این تحقیق، یک پژوهش میدانی از نوع کاربردی و از نظر روش، پیمایشی و از نوع مقطعی می‌باشد. جامعه آماری، گویشورانی می‌باشند که دارای اصالت زبانی زبان‌های ترکی، کردی، لکی، مازندرانی و بلوچی و نیز گویشوران گویش‌های اصفهانی، یزدی، لری، مشهدی و همدانی مهاجر و ساکن در شهر تهران هستند. از هر زبان و هر گویش بین ۳۰ تا ۳۵ نفر و در مجموع ۳۱۴ نفر در دو جنسیت زن و مرد در ۸ گروه سنی به صورت نیمه تصادفی و بر حسب آمادگی شرکت کنندگان، انتخاب شده‌اند.

جدول شماره ۱ فراوانی و درصد شرکت کنندگان در پژوهش را بر حسب زبان یا گویش نشان می‌دهد.

**جدول ۱.** فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب زبان یا گویش

نام متغیر	فراوانی	درصد
۵ زبان مازندرانی، ترکی، کردی، لکی و بلوچی	۱۶۱	۵۱/۳
۵ گویش اصفهانی، لری، یزدی، همدانی و مشهدی	۱۵۳	۴۸/۷
کل	۳۱۴	۱۰۰

جدول شماره ۲ نمایانگر تعداد و درصد شرکت کنندگان حاضر در پژوهش بر حسب نوع مهاجرت می‌باشد.

**جدول ۲.** فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب نوع مهاجرت

نام متغیر	فراوانی	درصد
مهاجر نسل اول	۱۷۴	۵۵/۴
مهاجر نسل دوم	۱۴۰	۴۴/۶
کل	۳۱۴	۱۰۰

از آنجا که در پژوهش حاضر، میزان تعامل زبانی شرکت کنندگان در جامعه زبانی مدنظر است، ۳۶۵ داده زبانی از اقشار مختلف جامعه شامل دانش آموز، دانشجو، استاد، معلم، کارمند، کاسب، راننده، خانه‌دار و نظایر آن در موقعیت‌های جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهر تهران از

مورد مطالعه را آشکار می‌سازد. مقدار مشاهده‌شده نشان می‌دهد کاربرد گونه‌های زبانی غیرمعیار در محیط داخل خانواده در گفتگو با پدر و مادر دارای بیشترین مقدار است؛ در گفتگو با خواهر و برادر و گفتگو با همسر، میزان کاربرد گونه زبانی غیرمعیار کاهش یافته و در گفتگو با فرزند به کمترین میزان رسیده است.

جدول ۵ آمار توصیفی تک‌بعدی میزان کاربرد زبان یا گویش مادری به تفکیک حوزه‌های کاربردی در شهر تهران با تمرکز بر ۱۰ گونه زبانی مورد مطالعه را نشان می‌دهد و همان‌طور که مشاهده می‌شود، تفاوت زیادی بین میزان مشاهده شده و میزان مورد انتظار در کاربرد گونه‌های زبانی مورد مطالعه وجود دارد. مقدار مشاهده شده در واقع فراوانی مشاهده شده در میزان کاربرد گونه‌های زبانی معیار و غیرمعیار در محیط داخل و خارج از خانواده را نشان می‌دهد. مقدار مورد انتظار با استفاده از فرمول کای دو بر اساس داده‌های حاصل از مقدار مشاهده‌شده گونه زبانی غیرمعیار و سپس تقسیم آن بر تعداد کل (n) به دست می‌آید.

بر اساس جدول ۵ مقدار مشاهده‌شده نشان می‌دهد کاربرد گونه‌های زبانی غیرمعیار در محیط داخل خانواده در گفتگو با پدر و مادر بیشترین میزان برابر با ۱۳۲ نفر، در گفتگو با خواهر و برادر برابر با ۱۰۳، در گفتگو با همسر برابر با ۵۴ و در گفتگوی فرزند - والدین برابر با ۳۰ بوده است. در محیط خارج از خانواده در حوزه‌های آموزش در گفتگو با هم‌کلاسی‌ها ۱۷، در گفتگو با مدرسان ۱۲، در حوزه کار و در گفتگو با همکاران ۱۸، در کوچه و بازار و در گفتگو با مردم عدد ۱۸ را نشان می‌دهد.

مقدار مشاهده‌شده گونه معیار، نشان می‌دهد کاربرد گونه زبانی معیار در محیط داخل خانواده در گفتگو با پدر و مادر کمترین مقدار برابر با ۱۸۲، در گفتگو با خواهر و برادر برابر با ۲۰۹، در گفتگو با همسر برابر با ۲۰۳، در گفتگوی فرزند - والدین برابر با ۲۲۰ بوده است. در محیط خارج از خانواده در حوزه‌های آموزش در گفتگو با هم‌کلاسی‌ها ۲۸۱، در گفتگو با مدرسان ۲۸۶، در حوزه کار و در گفتگو با همکاران ۲۷۲، در کوچه و بازار و در گفتگو با مردم ۲۹۶ و نیز در گفتار افراد تحصیل کرده عدد ۲۷۶ را نشان می‌دهد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، کاربرد گونه‌های زبانی غیرمعیار در جامعه زبانی، رشد نزولی داشته و کاهش یافته است، درحالی‌که کاربرد گونه معیار زبان فارسی، رشد صعودی داشته و افزایش پیدا کرده است.

پرسشنامه‌های تحقیقات پیشین، تهیه شده است. تعداد ۳۷۵ نفر شرکت کننده اقدام به پر کردن پرسشنامه نموده‌اند که پس از بررسی پاسخ‌ها، پاسخ‌نامه‌های نامناسب که حاوی اطلاعات غیر قابل استفاده و نادرست بوده‌اند، جداسازی و ۳۱۴ پاسخنامه به عنوان داده‌های تحقیق گردآوری شدند. با استفاده از آزمون کای دو<sup>۱</sup> و نیز توسط نرم‌افزار SPSS نتایج آماری به دست آمده است.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون کای دو و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند و تحلیل به دست آمده به شرح زیر است:

### میزان کاربرد گونه‌های زبانی غیرمعیار

در میزان کاربرد گونه‌های زبانی معیار و غیرمعیار، واقعیت‌های شناختی قابل ملاحظه‌ای نهفته است. واقعیت‌های شناختی پشت پرده کاربرد واقعی زبان، که گاهی ناخواسته اتفاق می‌افتد، نشان از نهفته‌های ذهن گویندگان گونه‌های زبانی دارد و چرایی انتخاب افراد در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از مستندات زیر است:

به طور کلی، در مورد میزان کاربرد گونه‌های زبانی غیرمعیار در محیط داخل خانواده، در گفتگو با پدر و مادر (بیشترین) ۴۲ درصد کاربرد گونه زبانی غیرمعیار و ۵۸ درصد کاربرد گونه زبانی معیار دیده شده است. در گفتگو با فرزندان (کمترین) ۱۲ درصد کاربرد گونه زبانی غیرمعیار و ۸۸ درصد کاربرد گونه زبانی معیار قابل مشاهده است. کاربرد گونه زبانی غیرمعیار در محیط خارج از خانواده (محیط آموزشی، مدرسان، همکاران، مردم کوچه و بازار)، به میزان قابل توجهی کاهش پیدا می‌کند.

در صحبت کردن با همکاران، بیشترین کاربرد گونه زبانی غیرمعیار برابر ۶/۲ درصد بوده است و ۹۳/۸ درصد کاربرد گونه زبانی معیار وجود دارد. در صحبت با مدرسان مشاهده شد که کمترین کاربرد گونه زبانی غیرمعیار برابر ۴ درصد و کاربرد گونه معیار برابر ۹۶ درصد بوده است.

بر اساس جدول شماره ۵ آمار توصیفی تک‌بعدی به دست آمده حاصل از پژوهش، تفاوت زیادی بین میزان مشاهده شده و میزان مورد انتظار در کاربرد گونه‌های زبانی

**جدول ۵.** آمار توصیفی تک بعدی میزان کاربرد زبان یا گویش مادری به تفکیک حوزه‌های کاربردی

مجموع مقدار مشاهده شده گونه‌های معیار و غیرمعیار	مقدار مورد انتظارات کاربرد گونه زبانی غیرمعیار	مقدار مشاهده شده گونه زبانی غیرمعیار	مقدار مشاهده شده گونه زبانی معیار	حوزه اجتماعی	
				آمار توصیفی تک بعدی	
۳۱۴	۱۵۷	۱۳۲	۱۸۲	گفتگو با پدر و مادر	حوزه خانواده
۳۱۲	۱۵۶	۱۰۳	۲۰۹	گفتگو با خواهر و برادر	
۲۵۷	۱۲۸/۵	۵۴	۲۰۳	گفتگو با همسر	
۲۵۰	۱۲۵	۳۰	۲۲۰	گفتگو با فرزندان	
۲۹۸	۱۴۹	۱۷	۲۸۱	گفتگو با هم کلاسی‌ها	حوزه آموزش
۲۹۸	۱۴۹	۱۲	۲۸۶	گفتگو با مدرسان	حوزه خارج از خانواده
۲۹۰	۱۴۵	۱۸	۲۷۲	گفتگو با همکاران	
۳۱۴	۱۵۷	۱۸	۲۹۶	گفتگو با مردم کوچه و بازار	

کرده‌اند. از میزان ۳۸۴ مورد انتخاب گزینه زبانی مادری ۳۱۹ مورد معادل ۲۸/۱۵ درصد در محیط داخل خانواده در گفتگو با پدر و مادر، خواهر و برادر، همسر و فرزند بوده و در محیط خارج از خانواده تنها ۶۵ مورد معادل ۵/۴۱ درصد گونه زبانی مادری انتخاب شده است.

#### کاربرد گونه زبانی غیرمعیار بر حسب اصالت قومی زبانی

به طور کلی در محیط داخل خانواده در گفتگو با پدر و مادر بیشترین کاربرد گونه غیرمعیار زبان در گویش‌ها به همدانی‌ها با ۸۴/۴ درصد و در بین زبان‌ها به گویندگان لکی با ۵۸/۱ درصد تعلق می‌گیرد.

در گفتگو با خواهران و برادران بیشترین کاربرد گونه غیرمعیار زبان در گویش‌ها به مشهدی‌ها با ۳۰ درصد و در بین زبان‌ها به گویندگان لکی با ۵۸/۱ درصد تعلق می‌گیرد.

در گفتگو با همسر بیشترین کاربرد گونه غیرمعیار زبان در گویش‌ها به مشهدی‌ها با ۲۵ درصد و در بین زبان‌ها به گویندگان کردی با ۴۵/۸ و سپس لکی با ۳۳/۳ درصد تعلق می‌گیرد.

در گفتگو با فرزند بیشترین کاربرد گونه غیرمعیار زبان در

بر اساس آمار به دست آمده از مجموع ۳۱۴ نفر شرکت کننده ۷۸ نفر بدون همسر (مجرد، مطلقه، بیوه)، ۸۹ نفر متأهل دارای همسر هم قوم و ۱۴۷ نفر متأهل و دارای همسر با قومیت متفاوت هستند. از این رو کاربرد گونه زبانی غیرمعیار در گفتگو با همسر و به دنبال آن در گفتگو با فرزند نیز به میزان قابل توجهی کاهش یافته است.

در خانواده‌هایی که پدر دارای گونه زبانی غیرمعیار و مادر دارای گونه زبانی معیار است، گفتگو با فرزندان با گونه زبانی غیرمعیار بیشتر است، اما در خانواده‌هایی که پدر دارای گونه زبانی معیار و مادر دارای گونه زبانی غیرمعیار است، در گفتگو با فرزند کمتر از گونه زبانی غیرمعیار استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد با اینکه گونه زبانی غیرمعیار، گونه زبان مادری محسوب می‌شود، کاربرد گونه زبانی غیرمعیار بیشتر بر پایه کاربرد زبانی پدر خانواده است.

در نهایت ۳۱۴ شرکت کننده در ۸ محیط گفتگو در داخل و خارج از خانواده ۲۳۳۳ امکان انتخاب بین گونه زبانی مادری و گونه زبانی فارسی تهرانی را داشته‌اند که تنها ۳۸۴ مورد معادل ۱۶/۴۵ درصد، گونه زبانی مادری و ۱۹۴۹ مورد معادل ۸۳/۵۴ درصد گونه زبانی فارسی تهرانی را انتخاب

گوش‌ها به همدانی‌ها با ۴/۳ و سپس مشهدی‌ها ۴/۲ درصد و در بین زبان‌ها به گویندگان کردی با ۳۷/۵ درصد تعلق می‌گیرد. در محیط خارج از خانواده در گفتگو با هم‌کلاسی‌ها بیشترین کاربرد گونه غیرمعیار زبان در گوش‌ها به مشهدی‌ها با ۶/۹ درصد و در بین زبان‌ها به گویندگان کردی با ۱۰/۷ و گویندگان لکی با ۱۰/۳ درصد تعلق می‌گیرد.

### تأثیر متغیرهای اجتماعی در کاربرد گونه‌های زبانی

در گفتگو با مدرسان بیشترین کاربرد گونه غیرمعیار زبان در گوش‌ها به مشهدی‌ها با ۳/۴ درصد و در بین زبان‌ها به گویندگان لکی با ۹/۷ درصد تعلق می‌گیرد. در گفتگو با همکاران بیشترین کاربرد گونه غیرمعیار زبان در گوش‌ها به مشهدی‌ها با ۶/۹ درصد و در بین زبان‌ها به گویندگان بلوچی با ۱۸/۵ و سپس لکی با ۱۰/۳ درصد تعلق می‌گیرد. در گفتگو با مردم کوچه و بازار بیشترین کاربرد گونه غیرمعیار زبان در گوش‌ها به مشهدی‌ها با ۱۰ درصد و در بین زبان‌ها به گویندگان گونه زبانی لکی با ۱۲/۹ درصد تعلق می‌گیرد. در نتیجه در بین گویشوران، گویشوران مشهدی و سپس همدانی (در گفتگو با پدر و مادر و فرزند) بیشترین کاربرد گونه زبانی غیرمعیار را نشان داده‌اند. در گروه زبان‌ها، گویندگان زبان‌های لکی و پس از آن کردی، در گفتگو با همکاران، بیشترین کاربرد گونه غیرمعیار را نشان داده‌اند. شرکت‌کنندگان بلوچ بیشترین کاربرد گونه زبانی مادری را در صحبت با همکاران نشان داده‌اند.

در بین گوش‌ها، گویشوران مشهدی و سپس همدانی (تنها در محیط داخل خانواده) بیشترین کاربرد گونه زبانی غیرمعیار را دارند. به نظر می‌رسد گویشوران همدانی تمایلی به کاربرد گونه زبانی غیرمعیار در محیط خارج از خانواده ندارند. گویشوران همدانی با وجود بیشترین احساس «مثبت» نسبت به گونه زبانی مادری در بین گویشوران، تنها در حوزه داخل خانواده و آن هم در جامعه زبانی شهر تهران، اعتماد به نفس گفتگو به گونه زبانی مادری را دارند و در حوزه خارج از خانواده، کاربرد گونه زبانی غیرمعیار آن‌ها به صفر درصد می‌رسد.

بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه، گویشوران احساس می‌کنند شنوندگان تهرانی نسبت به دیگر گوش‌ها ذهنیت منفی دارند؛ بنابراین بر این باورند که گونه زبانی معیار شأن و منزلت بیشتری نسبت به گونه‌های زبانی مادری آن‌ها دارد و این تصور منجر به کاهش کاربرد گونه زبانی مادری

گویشوران در تهران شده است. در مقابل، گویندگان زبان‌ها معتقدند، عدم فهم‌پذیری دیگران از زبانشان به آن‌ها حس مثبت قدرت و برجسته بودن می‌دهد، به همین دلیل گویندگان زبان‌ها بیشتر از گویشوران تمایل به کاربرد گونه زبانی خود دارند.

در گفتگو با همکاران بیشترین کاربرد گونه غیرمعیار زبان در گوش‌ها به مشهدی‌ها با ۶/۹ درصد و در بین زبان‌ها به گویندگان لکی با ۹/۷ درصد تعلق می‌گیرد.

در گفتگو با همکاران بیشترین کاربرد گونه غیرمعیار زبان در گوش‌ها به مشهدی‌ها با ۶/۹ درصد و در بین زبان‌ها به گویندگان بلوچی با ۱۸/۵ و سپس لکی با ۱۰/۳ درصد تعلق می‌گیرد.

در گفتگو با مردم کوچه و بازار بیشترین کاربرد گونه غیرمعیار زبان در گوش‌ها به مشهدی‌ها با ۱۰ درصد و در بین زبان‌ها به گویندگان گونه زبانی لکی با ۱۲/۹ درصد تعلق می‌گیرد.

در نتیجه در بین گویشوران، گویشوران مشهدی و سپس همدانی (در گفتگو با پدر و مادر و فرزند) بیشترین کاربرد گونه زبانی غیرمعیار را نشان داده‌اند. در گروه زبان‌ها، گویندگان زبان‌های لکی و پس از آن کردی، در گفتگو با همکاران، بیشترین کاربرد گونه غیرمعیار را نشان داده‌اند. شرکت‌کنندگان بلوچ بیشترین کاربرد گونه زبانی مادری را در صحبت با همکاران نشان داده‌اند.

بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه، گویشوران احساس می‌کنند شنوندگان تهرانی نسبت به دیگر گوش‌ها ذهنیت منفی دارند؛ بنابراین بر این باورند که گونه زبانی معیار شأن و منزلت بیشتری نسبت به گونه‌های زبانی مادری آن‌ها دارد و این تصور منجر به کاهش کاربرد گونه زبانی مادری

با توجه به جدول‌های ۶ و ۷ آمار استنباطی پیوست، با در نظر گرفتن متغیر سطح مالی، کاربرد دو گونه زبانی مورد مطالعه در محیط خانواده، تنها در گفتگو با پدر و مادر معنادار می‌باشد. در محیط خارج از خانواده نیز کاربرد دو گونه زبانی مورد مطالعه و متغیر مورد نظر، تنها در گفتگو با مردم کوچه و بازار معنادار می‌باشد.

### به لحاظ متغیر شغل، مشاغل موجود عبارتند از:

کارمند، دانشجو، بازنشسته، خانه دار، آزاد و محصل. کاربرد گونه غیرمعیار در گفتگو با پدر و مادر بیشترین میزان و در گفتگو با فرزندان کمترین میزان را نشان می‌دهد. در محیط



اول و ۳۲ نفر آن‌ها معادل ۲۲/۹ درصد مهاجر نسل دوم بوده‌اند. از مجموع ۲۵۰ پاسخگو، ۳۰ نفر یا ۱۲ درصد از این آزمودنی‌ها، در محیط خانواده در گفتگو با فرزندان خود به زبان یا گویش مادری خود صحبت می‌کنند که ۲۶ نفر آن‌ها معادل ۱۸/۱ درصد مهاجر نسل اول و ۴ نفر آن‌ها معادل ۳/۸ درصد مهاجر نسل دوم بوده‌اند. از مجموع ۲۹۸ پاسخگو، ۱۷ نفر یا ۵/۷ درصد از این آزمودنی‌ها، در محیط آموزشی در گفتگو با همکلاسی‌های خود به زبان یا گویش مادری خود صحبت می‌کنند که ۱۱ نفر آن‌ها معادل ۶/۷ درصد مهاجر نسل اول و ۶ نفر آن‌ها معادل ۴/۴ درصد مهاجر نسل دوم بوده‌اند. از مجموع ۲۹۸ پاسخگو، ۱۲ نفر یا ۴ درصد از این آزمودنی‌ها، در محیط آموزشی در گفتگو با مدرسان به زبان یا گویش مادری خود صحبت می‌کنند که ۹ نفر آن‌ها معادل ۵/۵ درصد مهاجر نسل اول و ۳ نفر آن‌ها معادل ۲/۳ درصد مهاجر نسل دوم بوده‌اند. به نظر می‌رسد مهاجرین نسل اول تمایل بیشتری به کاربرد گونه زبانی مادری خود دارند و در محیط داخل و خارج از خانواده کاربرد گونه غیرمعیار بیشتری را نشان داده‌اند.

با توجه به پاسخ سؤالات مربوط به نگرش و احساس شرکت کنندگان نسبت به مولفه مهاجرت، مهاجرین نسل اول احساس و نگرش مثبت تری نسبت به شهر محل تولد و اصالت قومی-زبانی خود دارند اما بعد از گذر یک نسل زندگی در تهران، میل و رغبت به گونه زبانی مادری کاهش یافته و بیشتر به سوی کاربرد گونه معیار زبان فارسی گرایش ایجاد می‌شود. پاسخ‌های مربوط به مهاجرت نشان می‌دهند با وجود نگرش مثبت و خیلی مثبت و نسبتاً زیاد نسبت به گونه زبانی غیرمعیار، مهاجرین تمایلی بسیار کمی نسبت به زندگی در شهر نیاکان خود دارند. بر اساس تعاریف مهاجرت، مهاجرین به دلیل وجود محرومیت‌های موجود در جامعه مبداء اقدام به مهاجرت به جامعه مقصد یا میزبان می‌کنند تا محرومیت‌های موجود در محیط زندگی خود را کاهش دهند و به عقیده خودشان در محیطی با امکانات بیشتر زندگی کرده و فرزندان‌شان بدون محرومیت‌ها و محدودیت‌های شهر آباء اجدادیشان، رفاه و امکانات بیشتری در زندگی خود داشته باشند و نیز با امکانات زندگی و تحصیلی بیشتری رشد و پرورش پیدا کنند. در بررسی علل مهاجرت، با در نظر گرفتن اینکه هر شرکت کننده قادر به انتخاب حداکثر سه گزینه بوده است، گزینه‌های «شغل» با فراوانی ۲۰۵ و «زندگی بهتر» با فراوانی ۱۴۰ مهمترین دلایل مهاجرت محسوب می‌شوند و

خارج از خانواده کاربرد گونه غیرمعیار کاهش پیدا می‌کند. بازنشستگان در گفتگو با پدر و مادر ۶۶/۷ درصد، در گفتگو با فرزندان ۸۸/۹ درصد، در گفتگو با همکلاسی‌ها ۶/۷ درصد و در گفتگو با مدرسان ۶/۷ درصد گونه زبانی غیرمعیار را به کار می‌گیرند. کاربرد گونه غیرمعیار در بازنشستگان بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است.

با توجه به جدول‌های ۸ و ۹ و آمار استنباطی پیوست، با در نظر گرفتن متغیر شغل، کاربرد دو گونه زبانی مورد مطالعه در گفتگو با پدر و مادر، خواهر و برادر و همسر با مقدار معناداری یعنی کوچکتر از ۰/۰۵، وجود معناداری را نشان می‌دهد اما در محیط خارج از خانواده ارتباط معناداری بین کاربرد گونه‌های زبانی مورد مطالعه و متغیر شغل وجود ندارد.

### میزان کاربرد گونه زبانی غیرمعیار بر حسب نوع مهاجرت

از کل شرکت کنندگان در پژوهش به تعداد ۳۱۴ نفر، ۱۷۴ نفر معادل ۵۵/۴ درصد مهاجر نسل اول بوده‌اند، یعنی در استانی غیر از تهران متولد شده‌اند و بعد از آن به تهران مهاجرت کرده‌اند و ۱۴۰ نفر معادل ۴۴/۶ درصد مهاجر نسل دوم بوده‌اند.

### دلایل مهاجرت

هر شرکت کننده توانایی انتخاب حداکثر ۳ گزینه از دلایل مهاجرت به تهران را در پرسشنامه داشته است. دلایل انتخاب شده شرکت کنندگان جهت مهاجرت به تهران به ترتیب فراوانی پاسخها به شرح زیر می‌باشد:

- مهاجرت برای یافتن شغل با فراوانی ۲۰۵
- مهاجرت برای یافتن زندگی بهتر (به لحاظ مالی) با فراوانی ۱۴۰
- مهاجرت به دلیل حضور خویشاوندان در تهران با فراوانی ۸۲
- مهاجرت به دلایل تحصیلی با فراوانی ۸۱
- مهاجرت به تهران به دلیل ازدواج با فراوانی ۷۲
- سایر موارد با فراوانی ۲۲
- مهاجرت به تهران به دلیل آب و هوا با فراوانی ۱۴

از مجموع ۳۱۴ نفر شرکت کننده در پژوهش، ۱۳۲ نفر یا ۴۲ درصد از این آزمودنی‌ها، در محیط خانواده در گفتگو با پدر و مادر خود به زبان یا گویش مادری خود صحبت می‌کنند که ۱۰۰ نفر آن‌ها معادل ۵۷/۵ درصد مهاجر نسل

زن و پیر و جوان، برتری گونه‌ی زبانی معیار، به جهت کاربرد در تعاملات در جامعه شکل گرفته است. همچنین قدرت اقتصادی، سیاسی و نیز آموزشی گونه‌ی معیار زبان فارسی، کاربرد گونه‌ی غیرمعیار را به شدت کاهش داده است.

گونه‌ی معیار زبانی فارسی، به دلیل تأثیر رسانه ملی به الگویی بسیار قدرتمند تبدیل شده است در حالی که گونه‌ی غیرمعیار ظاهراً به دلیل اینکه که نمی‌تواند معیارگونه سخن بگوید مورد تحقیر و گاه سرزنش قرار می‌گیرد (مدرسی، ۱۳۹۷) و منجر می‌شود به اینکه افراد جامعه به طور آگاهانه در محیط غیر از خانواده به زبان معیار سخن بگویند و منزلت پایین‌تری برای گونه‌ی غیرمعیار زبان فارسی قائل باشند؛ به شکلی که شرکت‌کنندگان مهاجر در این تحقیق با اینکه احساس مثبت و خیلی مثبت بالایی نسبت به گونه‌ی زبانی خود نشان داده‌اند، ترجیح می‌دهند در بیشتر موقعیت‌ها گونه‌ی زبانی غیرمعیار خود را پنهان کرده، بروز ندهند و با گونه‌ی معیار زبان فارسی صحبت کنند.

با در نظر گرفتن مطالب بیان شده در بخش مبانی نظری مؤلفه‌ی مهاجرت و پیامدهای آن، فرد مهاجر در رویارویی با جامعه مقصد و میزبان، با جامعه و فرهنگی بسیار متفاوت مواجه شده و به طبع آن می‌تواند یکی از دو نگرش و رویکرد متفاوت شیفتگی و پایداری را داشته باشد. حال در شرایطی که فردی نه به یک کشور دیگر، بلکه به پایتخت کشور خود مهاجرت کرده است پیامدها کاهش پیدا می‌کند. با در نظر گرفتن این موضوع که گونه‌ی زبانی جامعه میزبان دارای پایگاه اجتماعی مستحکم‌تری نسبت به گونه‌ی زبانی جامعه مهاجر می‌باشد، مهاجرین مجبور به پذیرفتن و به‌کارگیری گونه‌ی زبان جامعه میزبان می‌باشند؛ اما اگر دارای ریشه و هویت قومی قوی باشند، ممکن است گونه‌ی زبانی خود را حفظ کرده و در محیط خانه و خانواده به آن وفادار بمانند. شرکت‌کنندگان تحقیق حاضر مهاجرینی هستند که به دلایل مختلف به تهران مهاجرت کرده و برای ایجاد ارتباط و تعامل با جامعه میزبان با گونه‌ی زبانی معیار مواجه می‌شوند و به دلیل قدرت گروه غالب میزبان، ترجیح می‌دهند با گونه‌ی زبانی معیار همگام شوند. اگر فرد مهاجر در محیط خانه و خانواده گونه‌ی زبانی قومی خود را به کار گیرد، مهاجرین نسل دوم نیز زبان یا گویش مادری خود را آموخته و از هویت خود فاصله نمی‌گیرند و با وجود زندگی در تهران ویژگی‌های «هویت» اصالت خود را حفظ کرده و در جامعه میزبان نیز پذیرفته می‌شوند.

پس از آن‌ها «حضور خویشاوندان، تحصیل و ازدواج» بیشترین فراوانی علل مهاجرت را به خود اختصاص می‌دهند. جدول‌های آمار استنباطی ۱۰ و ۱۱ پیوست، نتایج آزمون کای دو را بر حسب مؤلفه مهاجرت در محیط داخل و خارج از خانواده نشان می‌دهند. مهاجرت به تهران و زندگی در این شهر با همه شرایط موجود برای هر یک از قومیت‌ها پیامدهای متفاوتی را به همراه خواهد داشت. با توجه به ابعاد گسترده مهاجرت پیامدهای اجتماعی، هویتی و زبانی در هم تنیده و غیر قابل انکارند. یکی از مهمترین پیامدها، فاکتور زبان یعنی میزان کاربرد گونه‌ی زبانی غیرمعیار و میزان تمایل آن‌ها به کاربرد اصالت قومی می‌باشد. گونه‌ی زبانی مهاجر نشان دهنده هویت قومی و فرهنگی مهاجر می‌باشد که در روح و جسمش ریشه دوانده است.

در بررسی انجام شده با در نظر گرفتن متغیر مهاجرت، تحت دو گروه مهاجرین نسل اول و نسل دوم، کاربرد گونه‌ی زبانی مهاجرین نسل اول بیشتر از مهاجرین نسل دوم می‌باشد. جدول ۱۲ در بخش آمار استنباطی نتایج آزمون کای دو را بر حسب متغیرهای شغل و سطح مالی زندگی و نیز نوع مهاجرت و زبان یا گویش شرکت‌کنندگان در پژوهش نشان می‌دهد.

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش منعکس‌کننده میزان کاربرد گونه‌ی زبانی غیرمعیار شرکت‌کنندگان در موقعیت‌های متفاوت داخل خانواده و خارج از خانواده در جامعه زبانی می‌باشد که بر حسب متغیرهای سطح مالی زندگی و شغل مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در بین زبان‌ها، گویندگان زبان‌های لکی و سپس کردی بیشترین کاربرد گونه‌ی زبانی غیرمعیار را در داخل و خارج از خانواده در شهر تهران دارند. کاربرد گونه‌ی غیرمعیار در بازنشستگان بیش از دیگر مشاغل می‌باشد؛ به لحاظ سطح مالی زندگی، قشر ضعیف بیشترین کاربرد گونه‌ی غیرمعیار را دارند. با در نظر گرفتن متغیر مهاجرت، تحت دو گروه مهاجرین نسل اول و مهاجرین نسل دوم، کاربرد گونه‌ی زبانی مهاجرین نسل اول بیشتر از مهاجرین نسل دوم می‌باشد.

بر اساس نتایج حاصل از پرسشنامه و مصاحبه، گونه‌ی معیار زبان فارسی در ذهن شرکت‌کنندگان به عنوان گونه‌ای دارای قدرت و اعتبار نقش بسته و نهادینه شده است. در فرهنگ اقشار جامعه، نظیر قشر قوی و ضعیف، کم‌سواد، باسواد، مرد و

اجتماعی، دانشگاه پیام نور، دوره دوم، شماره دوم: (۲۰-۲۹).

مدرسی، ی. (۱۳۹۳). *زبان و مهاجرت*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مدرسی، ی. (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه شناسی زبان*. چاپ دوم. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مظفری، ش. (۱۳۹۸). *تأثیر عوامل اجتماعی بر کاربرد تنوعات گونه‌ای زبان فارسی در استان فارس: پژوهشی اجتماعی شناختی*. فصلنامه زبانشناسی اجتماعی، دانشگاه پیام نور، دوره دوم، شماره اول: (۲۲-۵۰).

صادقپور، ب و مرادی، و. (۱۳۹۲). *"تحلیل آماری با نرم افزارهای SPSS و AMOS"*، چاپ دوم، ساری: انتشارات دانشگاه مازندران.

مالمیر، م. (۱۳۹۶). *هویت زبانی - قومی به مثابه هویت ملی*. ویژه نامه فرهنگستان زبان‌ها و گویش‌های ایرانی. وارداف، ر. (۲۰۰۶). *درآمدی بر جامعه شناسی زبان*. ترجمه محمد امینی، تهران: نشر بوی کاغذ: ۱۳۹۳.

Bell, A. (1999). Styling the other to define the self: A study in New Zealand identity making. *Journal of Sociolinguistics*, 3/4, 523\_541.

Berthele, R. (2010). Investigation into the Folk's Mental Models of Linguistic Varieties. In: D. Geerearts, & J.R. Taylor (Eds), *Advances in cognitive sociolinguistics* (pp. 265- 290). Berlin/ New York: De Gruyter Mouton.

Edwards, J. (2009). *Language and identity: An introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.

Bloomfield, L. (1933). *Language*. New York, Holt.

Chambers, J.K., & Trudgill, P. (1980) *Dialectology*. Cambridge: Cambridge University Press.

Chambers, J.K., & Trudgill, P. (1998). *Dialectology*. Cambridge: Cambridge University Press.

Edwards, J. (2009). *Language and identity*. Cambridge University Press.

Fathi, A. (1991). *Theories of involuntary migration and the Iranian experience*. Mazda Publishe.

Fishman, J. (2010). *Handbook of language*

## منابع

احمدی، ح. (۱۳۸۲). *ایران، هویت، قومیت، ملیت*. تهران: موسسه تحقیقات. توسعه علوم انسانی.

دبیرمقدم، م. (۱۳۷۸). *زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی*، چاپ اول. تهران.

دبیرمقدم، م. (۱۳۸۷). *زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی*. نشریه متن پژوهی ادبی، شماره پنجم: (۹۱-۱۲۸).

دبیرمقدم، م. (۱۳۹۳). *رده شناسی زبان‌های ایرانی*، انتشارات سمت: جلد اول.

دبیرمقدم، م و همکاران. (۱۳۹۷). *زبان‌شناسی شناختی اجتماعی: رویکردی نوین به معنا و تنوعات زبانی*. فصلنامه زبانشناسی اجتماعی، دوره دوم، شماره دوم: (۲۹-۲۰).

سارلی، ن. (۱۳۸۷). *زبان فارسی معیار*، انتشارات هرمس، تهران.

مشرعی، م. (۱۳۹۷). *زبان‌شناسی شناختی اجتماعی: رویکردی نوین به معنا و تنوعات زبانی*. فصلنامه زبانشناسی and ethnic identity (2<sup>nd</sup> edition) (vol.1). Oxford: Oxford University Press.

Geeraerts, D. (2001). On measuring lexical convergence. In A. S. da Silva (ed.). *Linguagem e Cognicao*, (pp. 51 -61). Silva.

Geeraerts D., Kristiansen, G., & Peirsman, Y. (Eds). (2010). *Advances in cognitive sociolinguistics*. Berlin/New York: Walter de Gruyter GmbH & Co. KG.

Gumperz, J. J., & Hymes, D. (1986). *Directions in sociolinguistics: Ethnography of communication*. Basil Blackwell Ltd.

Hudson, R. (2000). *Review of Bernard Spolsky: Sociolinguistics, 1998*. University of Essen, LINSE.

Hymes D. (1964 a). A perspective for linguistic anthropology. In S. Tax (Ed.). *Horizons of anthropology* (pp. 92-107). Chicago, Aldine.

Jenkins, R. (2004). *Social identity* (2<sup>nd</sup> Ed.). London: Routledge.

Joseph, J. (2004). *Language and identity: National, ethnic, religious*. Palgrave, mcmillan.

Kistiansen, G., & Dirven, R. (Eds.) (2008).

- Cognitive sociolinguistics: Language variation, cultural models, social system.* Berlin/ New York: Mouton de Gruyter.
- Labov, W. (1984). Field method of the project on linguistic change and variation. In: J. Baugh, & J. Sherzer (Eds.). *Language in use* (pp. 2-43). Englewood Cliffs: Prentice Hall.
- Labov, W. (2001). *Principles of linguistic change II, social factors.* Oxford: Blackwell.
- Langacker, R. W. (1999). *Grammar and conceptualization.* Berlin, New York: Mouton De Gruyter.
- Le Page, R. (1980). Projection, focussing, diffusion or, steps towards a sociolinguistic theory of language. *York Papers in Linguistics*, 9, 9-31.
- Le Page, R. & Tabouret-Keller, A. (1985). *Acts of identity.* Cambridge: Cambridge University Press.
- Le Page, R. B. (1988). Some premises concerning the standardization of languages with special reference to Caribbean Creole English. *International Journal of the Sociology of Language*, 71, 25-36.
- Leszczensky, L., Gräbs, S., & Mannheim, A. (2015). The development and test of a measure of youth's ethnic and national identity. *Methods, Data, Analyses*, 9(1), 87-110
- Mangalam, J.J. (1968). *Human migration: A guide to migration literature in English 1955- 1962.* University Press of Kentucky.
- Park, R. (1928). *Human migration & the marginal man.* *The American Journal of Sociology*, 33(6), 881-893.
- Peterson, W., & Thomas, B. (1968). *Migration.* In: *International Encyclopedia of the social Science* (vol. 10)(pp. 286-300), New York: Macmillan.
- Pütz, M., Robinson, J.A., & Reif, M. (Eds.) (2014). *Cognitive sociolinguistics: Social and cultural variation in cognition & language use.* Berlin, New York: John Benjamins.
- Safran, W. (2008). Language, ethnicity and religion: A complex and persistent linkage. *Nations and Nationalism*, 14, 171-90.
- Tong, F., & Min, Y., Chun Liu, Y., & Gue, H. (2017). Measuring self-identity change related to English language learning and bilingual education among Chinese-speaking college students: An exploratory study, *Asian Journal of Education and training*, 3(2), 135-146.
- Trudgill, P. (1992). *Introducing language and society.* London: Penguin.
- Trudgill, P., & Chambers, J. K. (Eds.) (1991). *Dialects of English: Studies in grammatical variation.* Longman, London and New York.
- Wardhaugh, R., & Fuller, J. M. (2015). *An introduction to sociolinguistics* (7<sup>th</sup> Ed.) John Wiley & Sons, Inc.
- Young, J., & Gluhoski, V. (1997). A schema-focused perspective on satisfaction in close relationships. In R. J. Sternberg & M. Hojjat (Eds.), *Satisfaction in close relationships* (pp. 356-381). The Guilford Press.
- Young, J.E., Klosko, J.S., & Weishaar, M.E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide.* New York: Guilford.

## پیوست

### آمار استنباطی

**جدول ۶.** نتایج آزمون کای دو پیرسون برای کاربرد گونه‌های زبانی در محیط خانواده بر حسب سطح مالی زندگی

مقدار معناداری	درجه آزادی	آماره کای دو پیرسون	کاربرد گونه زبانی
۰/۰۰۴	۴	۱۵/۲۶۷	گفتگو در محیط خانواده با پدر و مادر
۰/۰۹۶	۴	۷/۸۹۰	گفتگو در محیط خانواده با خواهران و برادران
۰/۳۹۰	۴	۴/۱۲۲	گفتگو در محیط خانواده با همسر
۰/۶۰۱	۴	۲/۷۴۷	گفتگو در محیط خانواده با فرزندان

**جدول ۷.** نتایج آزمون کای دو پیرسون برای کاربرد گونه‌های زبانی در محیط خارج از خانه بر حسب سطح مالی زندگی

مقدار معناداری	درجه آزادی	آماره کای دو پیرسون	کاربرد گونه زبانی
۰/۸۸۵	۴	۱/۱۶۰	گفتگو در محیط آموزشی با همکلاسی‌ها
۰/۷۶۹	۴	۱/۸۱۷	گفتگو در محیط آموزشی با مدرسان
۰/۴۹۶	۴	۳/۳۸۲	گفتگو در محیط کار با همکاران
۰/۰۴۳	۴	۹/۸۲۶	گفتگو در کوچه و بازار با مردم

**جدول ۸.** نتایج آزمون کای دو پیرسون برای کاربرد گونه‌های زبانی در محیط خانواده بر حسب شغل

مقدار معناداری	درجه آزادی	آماره کای دو پیرسون	کاربرد گونه زبانی
۰/۰۰۱	۶	۲۲/۶۴۰	گفتگو در محیط خانواده با پدر و مادر
۰/۰۰۳	۶	۱۹/۹۴۴	گفتگو در محیط خانواده با خواهران و برادران
۰/۰۴۵	۶	۱۲/۸۹۴	گفتگو در محیط خانواده با همسر
۰/۲۴۶	۶	۷/۸۹۰	گفتگو در محیط خانواده با فرزندان

**جدول ۹.** نتایج آزمون کای دو پیرسون برای کاربرد گونه‌های زبانی در محیط خارج از خانه بر حسب شغل

مقدار معناداری	درجه آزادی	آماره کای دو پیرسون	کاربرد گونه زبانی
۰/۹۵۳	۶	۱/۶۰۰	گفتگو در محیط آموزشی با همکلاسی‌ها
۰/۹۵۷	۶	۱/۵۴۱	گفتگو در محیط آموزشی با مدرسان
۰/۹۷۸	۶	۱/۱۶۷	گفتگو در محیط کار با همکاران
۰/۴۸۹	۶	۵/۴۳۸	گفتگو در کوچه و بازار با مردم

**جدول ۱۰.** نتایج آزمون کای دو پیرسون برای کاربرد گونه‌های زبانی در محیط خانواده بر حسب نوع مهاجرت


مقدار معناداری	درجه آزادی	آماره کای دو پیرسون	کاربرد گونه زبانی
< ۰/۰۰۱	۱	۳۸/۱۴۸	گفتگو در محیط خانواده با پدر و مادر
< ۰/۰۰۱	۱	۴۲/۴۱۶	گفتگو در محیط خانواده با خواهران و برادران
< ۰/۰۰۱	۱	۱۷/۹۷۴	گفتگو در محیط خانواده با همسر
۰/۰۰۱	۱	۱۱/۷۹۳	گفتگو در محیط خانواده با فرزندان

**جدول ۱۱.** نتایج آزمون کای دو پیرسون برای کاربرد گونه‌های زبانی در محیط خارج از خانه بر حسب نوع مهاجرت

مقدار معناداری	درجه آزادی	آماره کای دو پیرسون	کاربرد گونه زبانی
۰/۳۹۳	۱	۰/۷۲۹	گفتگو در محیط آموزشی با همکلاسی‌ها
۰/۱۶۳	۱	۱/۹۵۰	گفتگو در محیط آموزشی با مدرسان
۰/۰۶۵	۱	۳/۴۱۲	گفتگو در محیط کار با همکاران
۰/۰۴۹	۱	۳/۸۶۵	گفتگو در کوچه و بازار با مردم

**جدول ۱۲.** نتایج آزمون کای دو پیرسون برای احساس نسبت به گویش یا زبان مادری بر حسب اصالت قومی-زبانی، نوع مهاجرت، شغل و سطح مالی زندگی

مقدار معناداری	درجه آزادی	آماره کای دو پیرسون	کاربرد گونه زبانی
< ۰/۰۰۱	۴	۳۴/۵۴۰	احساس نسبت به زبان یا گویش مادری بر حسب زبان یا گویش
< ۰/۰۰۱	۳۶	۷۴/۲۹۲	احساس نسبت به زبان یا گویش مادری بر حسب اصالت قومی-زبانی
۰/۰۲۱	۴	۱۱/۵۹۰	احساس نسبت به زبان یا گویش مادری بر حسب نوع مهاجرت
۰/۰۳۸	۲۴	۳۷/۶۶۴	احساس نسبت به زبان یا گویش مادری بر حسب شغل
۰/۶۵۵	۱۶	۱۳/۲۳۶	احساس نسبت به زبان یا گویش مادری بر حسب سطح مالی زندگی

	<p><b>COPYRIGHTS</b>                  © 2023 by the authors. Licenses PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<a href="http://creativecommons.org/licenses/by/4.0">http://creativecommons.org/licenses/by/4.0</a>)</p>
---	---